

زماره ۲۱ -

۱۹۴۳ - ۲ - مارس

گوره سپاهان

بلاو که ره و دی بیری حربی دیمو کردنی گوره استان

سال یکم شنبه ۱۱ ربیعه ۱۳۲۶

(شاهریه قی محمدی تله می فله زانی و ۵۰ و انل) (سبد عبد الله مهدوی)

قهای زورداری رو خاند

اشتاتنی دانلو بیوه سر جامی هم گیرد و لکن و
سر کوتی سر علی خوره ماوی گویانی اشانی
آینی محمدی و بیکاری پهلو زیونه و موتنه کوتی به
دو شرموم گردمو و دمتنی اشانی گفتو لای
سد و روی بیرون کرده و موئی گهشتتو زانی دانلو
و خانلکی نیکه یاند گمه گزی و گهوره بی نه -

زانین بارش کاری خدمت بدختلک و آسودانی دنیا
کومه گه، گه، گه و پر این ره ده گل زور داران
پشتیانی امحق و عدالت دایه -

دو مانگدا جوار سند ملکون مسلمان بوله دایك -
یونی رمه برخی معنی و پیشوای متفتن خوان

جزی نی دگرن و بی مردوی ثغور اووه زه شامانی
ده کنن کنیان با کی آسمانی وی اسمره و جاوی
خوان داده بش آزادی خوانان لعدنیا و گه مهنا -
و پیش افراد رکنی وی دماغه هم -

شارستانی هر چند ده بیش تر گهوت اسلام
که شتر و هیزی در ناکیانی و پیشی دهد من موئی
و آشکانی دمت -

بیش هانی زلی لخوش گهه مهه لامیان دهها
دو شهه و داهه دهرا و لوره بیان هست ده که لایه ده
زانرا که کلایی قهم مهای جمهو کی دیورانی که
له هم محمدیمی ایده گهه کو دری زه بیانه ده بوره سی
زو غالو کانی آشنه چی بجهه نه و لهدانکه بروه
لهو که سهه که سهه دای هیزی دنیا چیری چل

و هر زی دی قه لاتی قصر ان و امیر اخطورانی
هزنی دنیا دله لره زنی و لوهه ره کیان بالا و
ده کاوه جی وان دنیا برا یانی و بره ایده
ری (انما) المومنون اخخوا هله لدهستینی
و داده همه زنی ده
باعی و زده ره کوتی آیینی محمدی بو کمه لاهه لای
دل رو بلا که ره مهی (قول الله الا الله) و بندان

بی زلی «الیوم لانتاب بیکم» بی کوی روزه -
لانزور آواز دنیا گه اند و قاریکانی فله زانی
خرافات بت پرستی بی دادی و خجیکتی
دهست در گردنی بوبه شی خلکنی لهن در
هینا و بیزونی پایشانهان و همانی خو «زانان
سنه شهی تو شانه دهه -

له هزار و چهارصد و بیست و چاله هموده و ده ازده
دهی مانکی ریب الاول بیر کوونی ۲۰ بیان و ده باتاطوی
و وهرزی ۵۷۰ میلادی و (۹۰۹) ساله تاریخ اسکندر لخا و لکی
عبدالله نباومشی آینه داده - نسبتی کی کوش کو دری زه بیانه ده بوره سی
هدلات و دره دوشا و ورثه و گرده هی خنوبه سدر دیای نارسکدا
پلاو کر دهه -

دیره داده بی بعذتی خود او سار اوی بی بیری کله کانی تاجاردا
له و متینکدا که دنیا همداد ابوریزمه بی این خاتون لکا نی
بی نیو کومه لانی بدتردا ده فولای زری (بیز) هی هزاران
دمی دوچار مهشی دا - هملکه و توان و رشیابی ده دروست ده کاو
ده بیری که همودنیا لمبلندی جیکا و هر زی کیانی وان واق و سر
سام دهیش -

باعی همیت بریوشونی کاری خود او بجهه که روزانه کو
حضرتی «حمد (رحمه الله) خودی لیسی» له خانو لکه هه
زانان و لوهه لانه هی پاکی کومه لان بوده رهینانی وان له
هزاری و بده بختی هله لانه دهه و قصوري فیصران
وقه لاتی کسر ایان و بده هشتی شهادان هیچ گاتیک جی -
شای هله لاتی نه و تبریه رونا کانه له بجهه
دین و نوسیونه که له همی دایلک بونی محمد (ص) قه لاتی
کر اشکا کاسکای آوری قارس گوزناده نوسراوه که ده ده ده

نه من به تو نهتری لایدین هم موقایلی شکناد

نه موئیگه بود کان زور باش ده زان

که کورد آزاری مکی جهان

نه میزو و گوای آزاری کورده

لذبیو شاهزاده اهور کورده

له ترسی نزیمان آسان چمیوه

پهلان چون شیر و پریزه قلمه بو

بعشی ایمه‌له‌دینا در دخشم بو

نه خومن

پرسوانی تارو یوسمان

لذ دینا و ادمان گهوزان سه رویش

له گنهنی سدر بخوبی چی حازی و بش

لـیدر جهانی و ملـانی کورـهـواری

اسـتـانـی نـیـشـتـیـبو تـسوـزـیـهـزارـی

اسـتـامـیـهـیدـابـوـ چـوارـسـانـیـهـ کـیـشـتاـ

لـیـشـاقـوـنـهـ گـیـهـتـیـ نـیـزـدـ اـسـیـتاـ

پـیـعـمـیـشـیـرـوـ نـیـزـمـوـ گـوشـوـنـهـارـ

وـمـلـانـیـ کـورـهـدـیـ آـزـادـکـرـدـ وـ رـزـگـارـ

لـهـوـبـرـنـهـ سـانـسـوـسـخـرـ کـوـتـیـ کـوـرـدـ

بـهـوـبـرـنـهـ اـنـدـاـگـرـ حـسـوـرـتـیـ کـوـرـدـ

..... صـهـحـوـبـ وـ عـزـیـزـیـمانـ

جـهـنـانـیـ بـیـشـوـایـ بـهـزـوـسـرـزـیـمانـ

بـهـزـوـمـوـ عـقـلـ وـ عـدـلـ وـ نـوـکـنـدـ اـنـیـ

سـیـهـبـوـلـمـ لـتـسـهـرـ کـمـهـزـرـدـ تـانـیـ

الـسـابـیـهـ خـوـبـیـنـهـ غـیرـهـ تـانـیـ

کـهـ بـرـمـهـ لـاـهـرـیـ دـرـدـ شـهـلـهـ بـوـ

سـهـنـاـ سـاـوـهـ دـرـدـ رـوـدـتـ کـیـوـوـوـادـیـ

بـیـشـیـ بـیـشـوـایـ اـیـسـهـ بـهـ شـادـیـ

بـهـنـگـلـوـ بـانـیـشـمـ

مـاـوـهـ لـهـ لـاـهـرـیـ

۳

ماوهی جیزني کور دستان له اداره روژنامه چاپخانه کور دستان سره خویی

۷ - وقاری ملحده شاپنگ

پهلوانی کار گرانی جا بخانی کور دستان، که روزه
به پشتگاهی حضرتی پیشترزا کور دستان،
ونه اویه نه نهودی گورد، بی بیز و زه عرض به کشم،
و هیچ اداره، تایید روژنامه پیروزه، گلی کورد
له ذریسه هری وجودی حضرتی پیشترزا
کور دستان دا، چو طبله بند آزاد بیت،
لهمو مختندا! که مکنی گورد زیجوری دیل و.

په خبری، په لایس سوزو سی و گل کسکی
آزاری گور یونه همه، اینه لاعقو بلاه که وه،
لها و متس سعادت دان، و له عینی حال دا، له سی
لاوه، خوش بختی و سر بر لبندی رویتی کرد دینه
هومل خوش به تختیان ستر بخوی گوره، که له
سایه فیدا کاری پیشوای هر زیجکی عملی کرد
و هم و دو و دو و مس سعادت دان رون بونه بیهی چا و مانه

په قدموی پار کی پیشوای گوره، سی پیمه پیتدینهان
اختخاری کار کار کی همول هوسه گی، ملی
کورد، که به راستی بیکن لهر جسته، ترین
اختخاری تریانه،

اینه بیوشو گرانی لمه و مونه مونه همه غیر ایدا کردن
و له بز دیدار رستی چند تونه که خویی گرم کالایکی
قابل شک تانی و سامه له مقابله، بختش و جامو
چلالی سلیمانی دا دیباری بیرون هن تانی بالله گکواهه گله
بی و بیونه همه هر اداره این پیشوای هر زیجوری فه
چند تونه که خویه بجا ها زنده بمنه بلکه خویه همان
بیکه بیسی آواتی تر که تا استهاری خزه تهی دلمان
بی و بیونه همه هر زیجوری هدیه دان و دیده ایان ریگانی
ماوه له لاهزی ۳

حرارات است پرسی بی دادی، و حینکری
ده نهست دیزی کرد لپنی بیوه شی خلکی له نین در
هیشا، ویز نوی پایه تا هان و معنای خویه زان و
سه هیشه نو شانه دمه،

دور گوته آینی اسلام اهه زاره سمعه دو شبست

چهند سال لعوبی پیش جو که می که رانی میزونی
بشری بچاری گوره وی زانه کی دار است بخی تانی،

له آسانی مکرا کشانه له نهست ایان لاهزی (بعضی) آسان
حلسته و ور شی و ان به خانکی مکرا، هر دی جزیره العربی تانی،

زنانهای کوردستان

(ماوهی مولانا خالد کوردی شاره زوری)

سید محمدی حبیدی

ماوهی لایه ره ۱

۱۹۶۵

تو سر ام دو هزار و نو صد تسمه و نه تنخان
کشانی بار بیوی میلوبات کرد و سید محمد حمیدی
عازم و سر دید بیز روزنامه و گواری کوردستان
اد احسان و جوانری آغازین سوابی کرد
و کوتی: میزو شادی داد که مهابادله
ماوهی جهند صد سال شاریه تی خوید!
بی و چان کتی زاست و فرنگ بیو
و مدarsی نه، شانه زوری زایه کوردستان بشـ
کوش کرد و بدالم داشی گرانم چونکه میزو
دام او رز بر جیو کی هدومندان بیو لبدهی اشتران
دایی بیش بیم روزنامه و گواره که قازمایه
دمستان بیانو کردنوم کرد و زخت
مهاباده دایی و نیمه لمبه هوش و قوی که خودا بیو
پیشکوئی دم دو نستره گشت لندل مندا
حلال اندونه، و او احسانهای که بیلهت بوسه
کون و رونا کبوئی و ان دنبوی هومید
که نامویی که که دیانه که بیز رزی مطبوعاتی
هزار بزی دیلو جیز نه لسانی ۶ پاشنومه و تاو و بـ

ماوهی چلونه‌تی قوتابخانه گله لایه ره

شارخابیان لبه داده و مملوی ۳۰۰۰ ریال به آن گذاری
و ان مسندوی قوتابخانه کشت هومنشکی لهو
بولنی کرد راهیک سدیوی داریو سوتانه کی دیو
کی نه س و مدمی نه سان و بوده دنده
کیشان ساز کرد و بیو کو کردنوم کشان بخانه یه
لایه کاره لندلش دایون کایشان مشو کیشانه
هر ما و در غیره بازی دیوی و مراوی خانه که لایه ره
روزانه قوتایان سعادتکی لهدیده خریکی خوینده
و می پهرا اوه کان دن دن

ماوهی جیانی سرهیه خویی

سرهستی کورد گله بیر خاکشیان جاونه اواری
مولانا بونه خویی دیبیری پوش بمند کردند پیکاری مولانا

خالد حمیدی که گشته مولانا خالد کوردی شیخ عبدالکریمی
بر زنجی جیزیرو دستی کردند رس و بالو کردند وی زانت
و بزنانی کی جوانزیرین خلق کیانی داده کردند وی چالو
خوازش لش هزار بزی برا پایه هد کلیه که داده
لشان ۱۲۲۰ جویزه کیهونه و مصلو شامه اداری و لشان استماعی
حاجیش انتخیب مصلبی کوره کردند که کریمی
در مدرس دار الحدیث کرد و هردو کیان له گلیا دهن و پیچ
که تریلصدیق هنرور دیده و مولانا طه عصیلی بعافرسی پهار
یمیضیور (م) دا هله که داده و تاییلر بکا بمالخ و اعجازی
تیاد اندونی دوای حجج که راه و مسلمانی و دست ده کانه و بده رس،
بله دوکن پیشکه میز ارجام الله که بده و پیش محمد شهربوس
هات پیشانی و مولانه بزیارتی (عاصید اللذلی) ی تصدی
تیوق کرد و مولانا گل. قهود رویه لسالی (۱)

یا ۱۲۲۲ (۲۰) حاجیلاری جو هینستان دیگی بیو سه و لولیو و
محمدان و قاران و کاران لگه زل زای گه و مرتبیخ اسماعیلی کشیده
لشکر بزیکی علیمیان بان بیان و مولانا بیوری دده ده له هر تراوم لایه کیدا
تمیسه ده که شده و سرنا که نهیده

کلت سه که الال حداد لعن اهن بالا کمال
داده دیده و بوده کاته بسلام و خرسان و سستان و نیساپور
وله سوه برو (موس - مشد) و هدیله لیکی نایاب به سرام
و خانه دهد داد، گلوره و جوکی خاری منهده لمبیده ده کهن و به
چو شده دیغونه و سواره تاییه

این بازه گله کیست که از عرش برقرار است
و زنور گنبدی هم محال منزراست
له دوایس ادم چشم تاری هرات و لوبیه بوقنه هار انجا بکلهـ

غزین و له دوای دا نهیده دهی هار لخا کی نیشان هنرمه لیکی زو رنائز
پیش داده که نهایت دلسوزی در حق دینشانه که بخیز جهیزه
خانه لکه کی تمهیده:

هر مسی غذاست ماهیید از دیداریار
عالی در عیش و نوشواجیم اشگار
هر کسی هزار در گشته گفتات من
این دشمن کشان از داده هم از لذان از

عمر بین ۱۵ تا ۲۰ ساله باشند. پس از آن میتوانند در حلقه هایی به خرچ های اضافی داشته باشند.

هر چند که کمی تغییر نماید، این میتواند در حلقه هایی به ایشانهای کاهشی به خرچ های اضافی داشته باشد.

هر کسی باید در گذشتگان است من از دیداریار باشیم و تو شر ماویش اشگار باشیم.

جان شار مقدم جسان و پکرخان غلامت خان شار

بی توا در دلیل از خابو غیره در دست دارد

سته سوزان دلیل روزان کوچه کوچه در دل فکار

بکر جرجی بندز هیچ هیچ دل روزان از خون دل

حلاقت کردند دادند داغ غرق اسراچان

خالدا گزیستی دیوانه و صحرابور

تو کجاو کابل و غربین و خاکی قندغار

ماویتی

(۱) تاریخی، ملیمانی، و مولانی. (۲) گلابور

جیزی نی سره خوبین له کو لیجه وله لاین آغای شیخ حسین

ده کسرا باشان سه کفرهت شاینگی شفیغان کرایه
نه کسرای خلاکی به هنایی ملامحمد به خود داد

قرآن آلای متنیان سوینه خوارد که بوسرا که
و نهی کورستان کوتایی شد.

پاشان شلوای اهلی دورو بور که باشگشتن

کرایون هاشتمد بی مخانی سرفای هارا چایان کرد

ماوی دو سه عات به خوشند نهودی گوارا و هماری
می دایان بواره ده ایاریدنا پس دلیکی برسزو رو

کیف خوشی به لامان کرد .

مجیدی ابوری

له نساو جیگای هر دنا

خوزگه هر بخت نادمیم چو نکون من

به ده بخت بی بیوم مه گزی به هوی به خاتیر ایمهوی
بریا آرمزو و لدمانهایه جو نکو نهایی هوایی به

کووا نم کوزی هار بیگانی هیوادا هاتوته
لای من .

کیجیکی که گیتی به تکیه جوانی
روونکا برو دونیا بیو و نریکی همبو دستی

هدگ رفاندی هر دنی بهم هد و زیندو کارتی
من اند .

یمیوسی بیوز و میسی جزان نیه که هم دست
آسانیشم خوریکی ترینه برجا و مل و لدار

نهی که مدنگن، بلبان جریکدان برویه لکو
لمسه کرد ایت در کم کم نهی، بیانی، منتو

امهودان خدروه کسو رو زگاری دیباره دو

بیت .

هزاره کو نم دوینا بدنا گیانان هو گزی
بیک بیون بیی نم دوتیاش دادره این .

ماوهی تمازه ۲۰

لیکیهان گهه، نهودور بونه و بدهیج باریک چاریه کریو

لار قوام لذیرشی، راکیم زموم که بیست بیهوده و آخونه توانی
و بیلک بیستین بکهیکه که بیز و بیکه دوش بدرین و ووتی

هم بیمهانه همراه نهاده کیهی لایرد، بیمانن بسته دهادوشی
کراسی خوی بادازانه کرد نالیش سوابی هار کوتو رویه بیان

آن بیانات بیه که بیکه کابنی، سوئی نه گست تاچوله جلال روز
بیشتر و .

آخر روز گزاری، سه مکانه توانی، سه عایده بیزی، لس مردم دوم
نهی آنکه بیست و آنچه باری داده بیلاییکی لیلی تیبو بهد

نهی، بیست و یک که کاری ده خواردی آدمیزاد باد .

آخر لده میستی دست الدهیشی بختیاریکی ایسر و نیدار
بیستی، دمی که شسته ده دس دایکریو له چام خشو هیچ
دز دز از ارادی مرو و نداد .

نیزه و نیزه بدهیشی، بدهیشی، وجار و مهی، بیک لس مردیه بیک

تیک سیز و دلستیشی هیه، بیز، بایلیو بیو، دیار
نه، رزوی، نادر و شی، گیتی که درآمده سعی
دمی بیش و نه ایانکی تی رایه نه گیاند ایکی تی با

کوردان از بدو تاریخ

تاسال ۱۹۷۰

ترجمه:

سید محمد حمیدی

۱۵

چتر افیای سکورستان

کورستان منطقه‌ی بزرگ و روسی است، که بخش بزرگ‌ترین در راه کوه‌پیش دیگر کشور ایران و عراق واقع است.

نقشه‌ی بازه موامات که میان ایرانی ذکر آنهاست تهدید خود را کورستان از پیش قویت و طور دقیق بسی دشوار است. برخلاف میتوانیم بتفاوتی که در راه کورستان باشیم و در چهارمین بتفاوتی که در راه کورستان باشیم تو اهمیت زبان وطنی خود را حفظ کند آدمداست استاد کیم و کورستان را ابلوریکه در تواریخ مسطور است از جبهه قویت تهدید کنیم و می‌گوییم.

کورستان از کوههای آراز از در شمال تا کوههای حمرین در جنوب که هر ای هیچی و عراق کورده‌ی ای کورستان از افریزه‌ی جدیست که امن اند انداره‌ی از خاور از اقصی اورستان و در پایه‌ی اور و در ایران تا لات ملاطه در خلا نز که لازجان با ختر معمد است و قریباً نواده ۹۰۰ کلومتر و عرضش ۱۰۰۰ کلومتر است. کورستان منطقه‌ی ای که در راه کورستان در چهارمین در

عرض و درجه ۴۷ درجه طول واقع شده است. از هر طرف کوههای بلند به کورستان احاطه شده و سرمه آسمان کشیده‌اند به این ترتیب بخش جنوبی با خوش و این بخش شامل تپه‌هاییست که از آنها

به لذت کدام دارم که بجزئی از این کلادی بازدوزن بسری به می‌زادی سدر شیوا و پهله که بینه بینه حیزن دوزن نالادی مارک بیچین

به ۱۰ روز رسیگای

شمش سبال

له زمانه ۱۰ نو و وزنله خوش‌نویست آنای قاصی و لزم‌زماره ۱۴ دل‌آنای او طبیعتی لامتصوس کوره‌ی افای دوا بون. میش نعموی خوش‌هی خروم به عرضی خویه‌رد خوش‌نویسته کان بکه که نم: لدو لایه‌هه: هه لایه‌هه من به لکو هه کور کور دیکی فرشدو بونه و سارکوکوتی فرهنه‌گکی کوره‌ی متفلوریت رای آنای قاصی به ندوم که گوره‌ی افای: بیز بیکر رسیگای که بیش.

که وقی راشت و زور بونی خوش‌ندوان. به جوره‌ی کوکه ماوه که موه کی کی که مدا. تهناهت بیده‌هه ریساد له لار کوره‌هه‌وارد دل‌نیزدی. لوهه‌ی بیش که خوش‌دن و تویه‌ی زمانی کوره‌ی ای آزاد بیو: بیو: به میانه کوره دستی کدم ۶ سال عمدی خوان به فرقه و بدمن هدر و هاله و ملائانه که به مانی کوره‌هه‌ش ده خونه‌هه که کوکه ساده‌که جندسال خونه‌هه لازم برو.

بدلام مه که افای هاسان بیهه بروی کار جه مه کس نه ماوه ده روز دا ده مناوی به میزانی ۶ سالی پیش له راشت و ادبیاتی کوره‌ی سود و در گری. و میانه ای و نه خوبه و اوانی کوره ده بی‌جنسی خوبه ای. افای هاسان له به ای و موزی

په یاه بیه بسای روزه‌هه لان

په یاهه‌ی صباره

قاچان بیکشن به دم باره‌هه

عطری گول بو کون له گواره‌هه

به باره خودای باره‌ی نی هاونا

ولای برا که که ای کبر او له دا دا

پیش مر که نیت بیه بیانه و سواره‌هه

فرهانه و دیگی ساحب کارهان

لاوی شیر هم‌لدر له مردن بی پلا

بیزهه بیزهه کان بیو نکیری چه

پاله تو کی خنجه‌ر زهره‌ی باره‌هه

راده‌هه‌ین بیه لیکله دوی بیکوه

شمشیر حمایل و لای چه بیانه

هدز چی چد بیرو بیعن بیانه

چدر گی کون ده کم بیه بیکان نیز

دوزن له نیز نه به بیانه ده

بی اختیار طبلی امان لی ده

گه‌لاغی و بانه و مه و ای و ای کان

سواره‌ی نیه کو و هسواره‌مانه کان

سنجاب و بازه‌ند روله شیره کان

بیلیکی آزا بیهه هه ایزه کان

خونان ساز بیکن بیه هاونه کاری

دوزن بیه که بیه و مک تویه هرزن

جاری په لام. دم بیهه هیزیان

ده کون نهه‌هه‌هه جه ای و ای

نایو سیه‌نیزه جواله‌ی جه و سکان

دایکان در هفته که کوتل بیدر آیان

نه ترین نهاد مادرمانده؛ بهادر و دریان

نایو سیرینز جوالی مجهز کیان

دایکان در وقتی که کوتله بهار گیان

دریو زوبزوی شیری رق هستا

له سهر سینکلن دودستی هستا

بیندیک هلان بکره پیش خو

بیندیک له بندنا کر و رمچه فرو

هیندیک بریندار؛ به تو کن خنجر

بعنیک ناله نال له زهری ازدر

بیندیک نه گیبو به دل و آرمزو

لبو دوقساله زو دوتای زارو

کاسی سری وان ده کبته بیانه

تیدا نوش ده کمین کام می زولاله

خودا هنچون بیو پیاریدان

ستالین بلای؟ و یشتیوانم

له ژیر فخرمانی پیشوای بهرازا

کوبی دیکشن به سازوی عذرنا

آلای سر بر تکی له هدم لامه

هدار حی پایندو بدرز و چیایه

کچیکی فداکار

کچه که، نه من به نهیم لاقی هینه اذت و ازاریم.

کوره که باز - بهسیا جوپ با هستنی مار گ به.

کچه که لدر طلا تکدا؛ که هترسان دله روزی روی کردنه و پیش.

هر گاهی که هستنی قدرمان شنیگ بولاوی بیون و سدری جزوی بود.

اوو بیه داجو ته گلدیجی زانه لمجند مدققان و محتی فکر کرا.

نهوی نهیر بالا تو ساله هدا افکاریکی زور و که بوده هی سینا له.

پیش چاروی از اتصبرد ته کچیکیه هدومنظره و حشت آوم.

ری مدانی نهدری، کاهه کلاکی لاوان دلیسا ایو ایش جاوی

خوبدار اند له ایان به فکری برآمد منکر انه که که بحر خلفی

استلال و سر پیشتویی نیشانی خوبان داخله شدرویون خدریک بو

پایخوا یا نیکی کی قلاؤ ایانی که هترانی نیشانی پیشی رجیسی

احاطه چاده و سر به آسمان کشیده ایه با هسته بخت

چوبی با حرثی و این بخش شامل تعالی است که آنها

چشم های خوبی شدند و بزمی های حواره ای و بزمی های

تفاوت کوره استان برای زراعت بخش چوبی و چوبی

خاوری در محل حوض دله و فرات و دری و طایابی

وارد به آنها مانند زای - گیر - اصر

رو دهانه خابور می باشد.

بلدترین کوهها در کوره استان مکونه ای

است گردشمال خاوری و اقصد این کوهها در

چنگلهای انتو بزمی های است و مران و چتراره

آنرا احاطه کرد است بدین هیئت در تمام موسم

سال این بخش را آباد و پر از جمیت می سیند و

دارای دهات و شهرهای سیار است، به سخلاف

سلسله کوههای که رنگه را از ایران پیامیکند

این کوهها اخت و چنگل و علف در آنها بزمی های

زیرا این کوههای سلسله ای آتش شان تهیکل

باشه و دارای بر تکه های دراز و دره های عصی

می باشد، طوریکه داخل شدن - شبدن از ارتش

از جست شجاعت و اقدام با تجاھ احتفال بمنظمه شد.

باوه یه لایه رهه

ع. هوکوی

ملیه تدا مسلح بیرون، و به تو اوی هیزی خوان له

تجازی ییکان دغاگه ده کن.

له و فکرانه ادا کجه یک متوجه برو که گیان و زیان وی

لهم عوایل هم موضعه که هم کوتی، قیلک پیشان

و میلی وی پیدا میم، قابل هر رانه ری نیه، له بار

لهمی سری طویل یلند کرد له کاتکدا که چاوی

لیش مدر گه کان بیون ده نک و سکوتی کر دو.

هادیارو، که به نشانه ده بومیست روحی و ان

سبت بخوی بکشی که کوره که بان که بی دنگی

نهوی بی یو ده نهی آخری بیکوت:

باچوی ایند و بیمه بایه پیچانه هیچی

لیکه که

(۱) پسر فامه پاتریخ کوره بشاری و تاریخ طاهره و زر

احوال اندونه عنانی [چ ۴۶] تجهیزه که از اینجا

کشید.

هدووهای دنکر کوره که بان فرمان شنیگی دا

پیش هر گاه که کاهن اطاعه کرد، همراه و زن به من

هیتا نه و برمیونیک له فدا کاری کچیکی و مدهن

په رست که بچو خلقی استقلالی نیشانی خری همی

دانه ای میانه خری بیکاری که که

گورستان

کع ۱۹

زمانه ۲۱

۱۵۰۸

لایه زمیر - ۴

کورستان از پیشوای تاریخ
با این حالت پیشتر آباد و روستاهانها مانند

دجله و فرات و نهرین آذربایجان کوهها جو شده‌اند
سراب‌بری مشوند، همه این رودخانه‌ها بطریح جوب
جباری می‌شوند چن رودخانه، قوم‌طور که شاخه‌اش
رودخانه کور است که از جنوب پس از از زمین بشود،
در اینجا آب‌آبایت که چشمی به دریاچه وان و باره
پذیرفته از مردم می‌زند....

کشاورزی

با پیشنهاد جاک‌کنترول است کورستان منطقه
کوکنایی است اغلب توافق آن از مشترین نقاط
کشاورزی شناختی آید پخصوص مناطق منتهی
که در آنجا باغها و تاکا و همه کوههای دریاچه‌ای
منزه و درختهای توت که برای پرورش کرم
ایرانی بسیار سعادت‌آمد و آنچه‌های سیرو خرم و
میوه‌های میزان است.

و پیشتر نقاط کورستان مانندی بازیکرده اند
و سرمه از جست مدادن و جوز اگافنی و توقدند است،
مهمترین محصولات کشاورزی در کورستان
علی‌رست است از: گندم، چو، انواع ذرت و
تومن که از همه بهتر است. اگان، کجده، ببه،
مازوج، بیان، عدن، نتفود، بیان‌آم، گرد،
پالا، انجیر، فندق، زیتون، سبب، امرود،
زردالو، خوش، انان، انکوراژه، گونه، توت،
و هر گونه بودهای مخصوص مناطق متمدد شناخته شده‌اند.

خبری نیو خوان

مهلا معمولی بسازانی

چنان آنکه ملا معمولی فندکی کور دی پارزان
روزی ۱۳۴۶-۱۲-۹ سانی ۵ پیش نیو و
واردی می‌زند برو و مجنی کمیشنه بیو میان

پندامه کانی که بندی بیشوارین لی کرده
و مجنی جیز ملا معمولی همچویی مر کری دایزی
اعترافی پندامه کانی کمیشنه مر کری دایزی
الم کانه دا کنیه دی مر کری هنگوکوبلن توقدن

کرد و اینکه اینچه چویی بیان کیشتن، برای
خوشیسته حقیری در اسی بعین هانی
لهمی هیا و همدو اندامه کانی کمیشنه مر کری
بعدلا معمولی مانند و بیوش دهستی نهاده
هدموان لار و نهانی خوش دیو کاسکای خزی
دیسو کرات هان و اسالونی اینچه نهرهنکی
دانشنه و سانی ۶ خضرتی بیشواری کورستان

به بیان [القابنی] نشیش بواکشانو ملاقانی
ده گذل ملا معمولی نهرو، نه و مهندیا محمد

اندی ختاب به خضرتی بیش و آخهایک که
و نیمه ای مسائی ثالثی ملا معمولی بو له خصوص
خو دیشناو نانی کور دی پارزان و ده بدهد ری
که همه و معهده جیهیه به بیه سرمه‌ستی کورستان
دا نوتدمه و جانلی بیشوش ولایی دانه و
لها و ای اندامه حکومتی کورستان و خزی
دیسو کرات و هیته دیه له کانکای خزی دا و کرات و نلوده
گوکون چانی جانی دیده باشیخ (چی) چانی بیشوا که شرطی ده
در زرمه المال بیهیو ریزی تلوی بیش مر که کانی دیدن کر در دور
بایشی لی کردن و او اینش (زیارت-قدا-کارم). و ملامیان داوه یانان
تقواوی پیش مر که کان و اهانی المسن روی قاضی ریزیان بینه
کل کان کممه ده که ملا اندامه هان و ملامیان و ملامیان

(۵۵) نگو باسی در ووه

شوي ۱۱-۱۲-۲۴ راديوی دهلي
دهلي-دهلي عراق ساتوری مطبوعاتي هله لگرت.

لندن-له دوپی شمود رادیوی فرانسه و اسپانا باسترا
مسکو-له ۲۵ فوریه مقاماتی شوروی به آنای قوا رسه-

روکوزری ایرانیه ولامدا که بشکتله هیزی شوروی
له نهادی روزه ملات ایران (شهرورد-مشهد..).

بریلک آرامن له ۲۴ مارس ده بینه وه دله باقی بهمه کانی
ایراندا نامعلوم یونی و منعیت له ایراندا ده مینتوه.

(اخبار نیو خوان)

سلام رسهی به مناسبتی حیر نیه و لو د

روزی ۱۳۴۶-۱۲-۲۱ اربع الاول ۱۳۶۵ به مناسبتی حیر نیه تواد
حضرتی رسول سلامی رسمی بینی هات.

هزیزی کورستان که مادر تسلیمی خیانی طاجی قاشیدا را وستایون و
سیده اکوکان آماده دی سلام بون له سانی ۱۰، بازی جانی طاجی سیده باها

شیخ ریسی هجهی ریسی ملکی کورستان و پندامه کانی خزی
دیسو کرات و هیته دیه له کانکای خزی دا و کرات و نلوده
گوکون چانی جانی دیده باشیخ (چی) چانی بیشوا که شرطی ده
در زرمه المال بیهیو ریزی تلوی بیش مر که کانی دیدن کر در دور
بایشی لی کردن و او اینش (زیارت-قدا-کارم). و ملامیان داوه یانان
تقواوی پیش مر که کان و اهانی المسن روی قاضی ریزیان بینه
کل کان کممه ده که ملا اندامه هان و ملامیان و ملامیان

لورن جانی جاسی سیده: شیخ (یعنی خانم اسپرتو) نهاده شدی و مددو زد
بروز مردم المال (بیو) بر زیر ته اوی پیش مدر که کانی دیدن کرد دور وزیر
پاشی لی کردن واو اینش (زیارت فدال کارم). و ملامان داوه یا شان
پیاوی پیش بعد که کان واهان لوسن ری پاشی وزیران بسته
کلکندا کاموزیکی ملی یارده اجنای جانی جاسی سیده باشند. هامونتا
ملحصین بعدی. بر اصلیت حیدری له بات اعیت تاریخی زرزری
له دایت و قی خترن رسول (۴) و ملایت و نیشانه: پرسنی مسخر
ر این کرد و دستی کلر گرانی سیاخانه: سیاخانه کور دستانه: سیاخانه

ماوهی لایرهه ۱

شهریه آقی محمدی

دیانتباریگانی دهرهانی که مدهلی شیری ایمهدو

که تویی نموا صواده دزانن که محمد (ص) مده زارو

سی صدو شصت و خون دسان ادمی یش خالکی

بوونگ کرد ایدمه حیرانه مده بجهه مو سانه ایانی

دنیا بنا یعنی بعده تو کور دیکن سلنان بیرونیانی

پیشکشده که بن. هو میدو کوشی ایدمه مو و

که مسلمانانی کور دستان و همه مونابو نیک پیشی

حق ایچی برزی اسلامی: یکنی کل یداد گذان و

زورداران مله کیشده کار بستیوان و را گری ختو

قی خود داده بمنش زنیز و در و دین و دو زمانی اسلام

یوان همه مهلا یعنی که دوزنیانی اسلام بیون

وزور شان همول داده گفتمه نیخانویه پکوون

و. گوهرهان: بنی اسلام ایمه دن و بیزه همی

زورست مهد مهستی: نهاده که داده

زورست مهد مهستی: نهاده که داده

هزی آساد ازی

۱ - لایزی ۱ دری. ۲۰۰. ۳۰۰.

۲ - ۳۰۰. ۴۰۰. ۵۰۰.

۳ - ۴۰۰. ۵۰۰. ۶۰۰.

۴ - ۵۰۰. ۶۰۰. ۷۰۰.

۵ - کافه ذیوا کشت سدی: ۲۰۰.

که وانی بی انداره بمحکومه: کور دستان و حزبی
دیسو کرانت ایدوار کرد، یا شان حضرتی بیشوا
تشریشی بزده سالونی نایبه تی خوی شهنجا ملا
مضطهان به حضوری شرقیابی: و مامودی دو سان
بیکاره سه ریکی: گفتگو بون.

مولا مصطفی: یا ویکی سیاسی و زیعی

کوری یارزانه: نوری سرمیستی کور دستانه: سیاخانه

زوری نهیت کیت او: دو زمانی کور دستان

ثو و ته ای ایل: و شرمنی ویان به گوناهی

آزادی خواهی داری: دم و نهیشانی خوش و میخانی

و مده راهه: دانی: نیزی دیسو کرات و گملیک اروحا یان ام اینجی

فرجه کنیدا دایشن: مرح فاجا و شربت و گفتگو کی زور

له بات ایتیت روزی: دایلک یونی بیشوا اسلام علیه: اسلام و شاد

فاینکی زور چیزی: نهانی: ۱. یاش بیو مردوای هات.

کوتول: نامه بار

کو یا چهند و خت له وویش ایز اینه کان له نهاده: دیلک بوسن

ده نیزین کده ده کنه (جا فراوا) ده یانه وی و ضمیتی خو.

انه ستدای ستبیلی و لمه بر فر رسکای یان تایی ناچار

کوتول: کی نامه بار که نایسکی بعلاقه بدهه لاده

که نی که و لامیان بودا بسته به لاخودای کور دستان

له: کوتوله که هه تله ده کاودی اهدی (با چجه) دهنیشی و

ده کیری و چمند روز لامه ویش کوتوله کیان ده گمل

نامه گه هیتابه: یشوا کور دستانیان بیشکده: گزند

و چمنابی پیشرای بزرز هه زار ریالی بدهه لگری

کوتوله که عطا افراده نهیش هاته نیشان دهدا که

حق پیشوایانی کور دستانه

لورن جانی جاسی سیده: شیخ (یعنی خانم اسپرتو) نهاده شدی و مددو زد

بروز مردم المال (بیو) بر زیر ته اوی پیش مدر که کانی دیدن کرد دور وزیر

پاشی لی کردن واو اینش (زیارت فدال کارم). و ملامان داوه یا شان

پیاوی پیش بعد که کان واهان لوسن ری پاشی وزیران بسته

کلکندا کاموزیکی ملی یارده اجنای جانی جاسی سیده باشند. هامونتا

ملحصین بعدی. بر اصلیت حیدری له بات اعیت تاریخی زرزری

له دایت و قی خترن رسول (۴) و ملایت و نیشانه: پرسنی مسخر

ر این کرد و دستی کلر گرانی سیاخانه: سیاخانه کور دستانه: سیاخانه